

رویارویی صحنه‌ها و چهره‌ها در تاریخ اسلام

عصر رسول خدا ﷺ

دکتر حمید محمد قاسمی

دفتر نشر معارف اسلامی

فهرست مطالب

مقدمه	۳۷
-------	----

فصل اول: رویارویی صحنه‌ها و چهره‌ها از منظر اعتقادی

۱- «خداپرستی» و «بت‌پرستی»	۴۳
----------------------------	----

یک: «پرستش بت‌ها» و «دشمنی با بت‌ها»	۴۳
--------------------------------------	----

دو: «تبرک‌طلبی از بت‌ها» و «نهی تبرک‌طلبی از بت‌ها»	۴۳
---	----

سه: «تشکر از بت‌ها» و «ستایش خدا»	۴۴
-----------------------------------	----

چهار: «رهبر یهود و سجده کردن بر بت‌ها به وقت ضرورت» و «رهبر اسلام و نفرت از	
---	--

بت‌ها در همه حال»	۴۵
-------------------	----

۲- «بت‌پرستان» و «بت‌شکنان»	۴۵
-----------------------------	----

یک: «بت‌پرستی آشکار» و «بت‌شکنی مخفیانه»	۴۵
--	----

دو: «تشویق به بت‌پرستی» و «ترغیب به بت‌شکنی»	۴۷
--	----

سه: «فرمان به ساختن بت» و «فرمان به نابود کردن بت»	۴۷
--	----

۳- «هدایت شدگان» و «مرتدان»	۴۹
-----------------------------	----

یک: «هدایت شدن چند مسیحی از ظلمت به نور» و «گمراه شدن چند مسلمان از نور	
---	--

به ظلمت»	۴۹
----------	----

دو: «مسلمان شدن خادم بت‌خانه» و «مرتد شدن کاتب وحی»	۴۹
---	----

۵۲. سه: «پذیرش پیامبر ﷺ پس از کفر» و «انکار پیامبر ﷺ پس از اسلام».
- ۴ - «مؤمنان» و «منافقان».
۵۴. یک: «پذیری منافق» و «پسری مؤمن».
۵۵. دو: «تجلی نفاق پیش از نبرد احد» و «تجلی ایمان پیش از نبرد احد».
۵۶. سه: «دورویی در حضور پیامبر ﷺ» و «عشق و دلدادگی در غیاب پیامبر ﷺ».
۵۷. چهار: «آشکار شدن نفاق در هنگام جنگ» و «آشکار شدن ایمان در هنگام جنگ».
- ۵ - «اهل تردید» و «اهل یقین».
۵۹. یک: «صحابه‌ای در دام شک» و «صحابه‌ای رهیده از هر شک».
۶۰. دو: «تردید در حقانیت پیامبر ﷺ» و «یقین به حقانیت پیامبر ﷺ».
۶۱. سه: «تردید در نبوت پیامبر ﷺ» و «یقین به نبوت پیامبر ﷺ».
۶۲. چهار: «تردید در رسالت الهی پیامبر ﷺ» و «یقین به رسالت الهی پیامبر ﷺ».
۶۳. پنج: «مسلمانی غوطه‌ور در گرداب تردید» و «مسلمانی سرشار از ایمان و یقین».
۶۴. شش: «تردید در فرجام دعوت پیامبر ﷺ» و «یقین به پیروزی پیامبر ﷺ و یاری الهی».
۶۵. هفت: «تردید در واپسین لحظات عمر» و «ایمان و یقین در واپسین لحظات عمر».
- ۶ - «پذیرش مشتاقانه اسلام» و «پذیرش اجباری اسلام».
۶۶. یک: «ندامت از مسلمان شدن» و «عاشقانه مسلمان شدن».
۶۷. دو: «پذیرش اسلام از روی ناچاری» و «پذیرش اسلام از روی شوق».
۶۸. سه: «پذیرش اسلام به خاطر ترس از مردم» و «پذیرش اسلام به خاطر ترس از خدا».
۶۹. چهار: «زنی که با کینه مسلمان شد» و «زنی که مشتاقانه مسلمان شد».
- پنج: «مسلمان شدن برخی گروه‌ها از ترس بدنامی» و «مسلمان شدن برخی گروه‌ها از روی آگاهی».
۷۰. شش: «گروهی که به اجبار مسلمان شدند» و «گروهی که عاشقانه مسلمان شدند».
- ۷۱.

۷ - «روی آوردن به اسلام برای رسیدن به حق» و «روی آوردن به اسلام برای

منفعت طلبی» ۷۲

یک: «همراهی با پیامبر ﷺ برای کسب غنائم» و «همراهی با پیامبر ﷺ برای رسیدن

به شهادت» ۷۲

دو: «کسب غنائم به خاطر دین داری» و «رها کردن اموال برای حفظ دین» ۷۳

سه: «آنان که برای رسیدن به خواسته‌هایشان مسلمان شدند» و «آنان که با مسلمان شدن از

خواسته‌های خود گذشتند» ۷۴

چهار: «قبایلی که برای سود خود اظهار مسلمانی کردند» و «قبایلی که صادقانه مسلمان

شدند» ۷۵

۸ - «مسلمانان بی‌منت» و «مسلمانان منت‌گذار» ۷۷

یک: «کسانی که برای مسلمان شدن منت می‌گذاشتند» و «کسانی که برای مسلمان شدن بی‌منت

بودند» ۷۷

دو: «گروهی پر مدعا» و «گروهی بی ادعا» ۷۸

۹ - «اسلام ناب» و «اسلام مشروط» ۷۹

یک: «مسلمان شدن به شرط ریاست» و «مسلمان شدن و بی‌توجهی به ریاست» ۷۹

دو: «پذیرش اسلام به شرط انواع امتیازها» و «پذیرش اسلام و رها کردن تمام امتیازها» ۸۰

سه: «باج خواهی از پیامبر ﷺ برای پذیرش اسلام» و «بی‌تفاوتی نسبت به جاه و مال در راه

پذیرش اسلام» ۸۲

چهار: «بهانه جویی در پذیرش دعوت پیامبر ﷺ» و «پذیرش همه شروط پیامبر ﷺ» ۸۳

پنج: «اسلام مشروط هیأت ثقیف» و «اسلام ناب انصار» ۸۵

شش: «آنان که در اسلام آوردنشان حاضر به جنگ با قریش نبودند» و «آنان که در اسلام

آوردنشان جنگ با سرخ و سیاه و همه اقوام را پذیرفتند» ۸۶

۱۰ - «نخستین افراد یاری دهنده اسلام و پیامبر ﷺ» و «نخستین دشمنان اسلام و پیامبر ﷺ» ۸۷

یک: «اولین منکر جسور پس از آغاز دعوت پیامبر ﷺ» و «اولین یاور پس از شروع دعوت

پیامبر ﷺ» ۸۷

دو: «عموی در نقش مخالف» و «عموی در نقش حامی» ۸۸

سه: «اولین مخالف سرسخت اسلام» و «اولین جان‌نثاران راه اسلام» ۸۹

چهار: «اولین زن لجباز و تکذیب‌گر» و «اولین زن مؤمن و حمایت‌گر» ۸۹

پنج: «دشمنان کینه‌توز» و «پشتیبانان دلسوز» ۹۱

شش: «مخالفانی ناجوانمرد» و «حامیانی جوانمرد» ۹۱

هفت: «دشمنی دیرینه» و «پشتیبانی دیرینه» ۹۲

۱۱ - «بی‌مبالاتی» و «تعصب دینی» ۹۳

یک: «کسانی که در برابر آزار مشرکان دین خود را رها کردند» و «کسانی که با وجود شکنجه‌ها

پایند دین خود ماندند» ۹۳

دو: «آنان که به راحتی در برابر بت‌ها سجده کردند» و «آنان که هرگز در برابر غیرخدا سجده

نکردند» ۹۴

سه: «صحابه‌ای که تصمیم گرفتند یهودی یا مسیحی شوند» و «صحابه‌ای که همواره گوهر دین

خود را پاس داشتند» ۹۵

چهار: «آنان که با کوچک‌ترین بهانه ایمان خود را به پیامبر ﷺ از دست دادند» و «آنان که

هرگز از ایمان خود به پیامبر ﷺ دست برنداشتند» ۹۷

پنج: «آنان که در تنگناها اسلام را رها کردند» و «آنان که تا آخرین لحظات عمر به اسلام

وفادار بودند» ۹۸

شش: «تعصب دینی دختر پیامبر ﷺ در آشکار کردن محل پنهان شدن دشمن» و «بی‌مبالاتی

همسرش و ضرب و شتم او» ۹۹

- هفت: «تعصب دینی کسی که به پناه دادن دشمن توسط بستگان خود بی توجه بود» و «بی مبالایی کسی که تلاش داشت برای بستگان مهدور الدم خود امان بگیرد» ۱۰۰
- هشت: «تعصب دینی کسانی که به هم پیمان های یهودی خود توجهی نکردند» و «بی مبالایی کسانی که در صدد امان گرفتن برای هم پیمان های یهودی خود بودند» ۱۰۲
- نه: «تعصب دینی کسانی که هر شرطی را نپذیرفتند» و «بی مبالایی کسانی که هر شرطی را پذیرفتند» ۱۰۳
- ده: «بی مبالایی گروهی از صحابه در تصرف اموال عمومی» و «تعصب دینی رادمرد الهی در برخورد با متخلفان» ۱۰۴
- ۱۲ - «اهل بصیرت» و «کوردلان بی بصیرت» ۱۰۶
- یک: «فرد بت پرستی که در آخرین ساعات عمرش برای فراق بت ها می گریست» و «مرد بت پرستی که بصیرت یافت و سعادتمند شد» ۱۰۶
- دو: «مسیحیانی که بصیرت و هدایت یافتند» و «مشرکان کوردلی که به هدایت شدگان طعنه می زدند» ۱۰۷
- سه: «بصیرت یافتگان در پرتو ایمان» و «کوردلان غوطه ور در جهل و تعصب» ۱۰۸
- چهار: «مردی کوردل» و «زنی بصیر» ۱۰۹
- پنج: «یهودیانی کوردل» و «یهودیانی بصیرت یافته» ۱۰۹
- شش: «مبشرانی که خود ایمان نیاوردند» و «مخاطبان بشارتی که ایمان آوردند» ۱۱۰
- هفت: «منافقانی بی بصیرت» و «مؤمنانی اهل بصیرت» ۱۱۱
- هشت: «مؤمنانی که با دیدن معجزات پیامبر ﷺ بصیرتشان زیاد شد» و «منافقانی که با دیدن معجزات پیامبر ﷺ لجاجتشان زیاد شد» ۱۱۲
- نه: «کسی که رستگاری را در کشتن محمد ﷺ می پنداشت» و «کسی که رستگاری را در ادامه راه محمد ﷺ می دانست» ۱۱۳
- ده: «پدری بی بصیرت» و «پسری بصیر» ۱۱۳

- ۱۱۴ یازده: «مردی بی‌بصیرت» و «زنی بصیر».
- ۱۱۵ دوازده: «بازمانده یک شهید که بی‌بصیرت بود» و «بازمانده یک شهید که اهل بصیرت بود».
- ۱۱۶ ۱۳ - «بلند نظران» و «کوته فکران».
- یک: «کوته‌فکرانی که نهایت هدفشان ثروت بود» و «بلندنظراتی که هدفشان هدایت مردم بود».
- دو: «کوته‌فکرانی که از درافتادن با بت‌ها بیم می‌دادند» و «بلندهمتانی که از تهدیدها بیمی به دل راه نمی‌دادند».
- سه: «آرزوی گنجینه‌های جهان» و «آرزوی دیدار پروردگار جهان».
- چهار: «تقاضای همسان شدن با ثروتمندان» و «طرد اندیشه ثروت‌اندوزی».
- پنج: «کوته‌فکری درباره مقام پیامبر ﷺ» و «زدودن توهمات باطل در عمل».
- شش: «تقاضای پادشاهی سلیمان» و «تقاضای شفاعت امت».
- هفت: «تقاضای سالاری قوم» و «تقاضای صداقت در برابر خدا و مردم».
- هشت: «آنان که پیامبر ﷺ را بد یمن می‌دانستند» و «آنان که پیامبر ﷺ را خوش یمن می‌دانستند».
- نه: «آنان که خودشان را بیشتر از پیامبر ﷺ دوست داشتند» و «آنان که جان خود را فدای پیامبر ﷺ کردند».
- ده: «بلندهمتانی که به آینده امت اسلامی و هدایت آنان می‌اندیشیدند» و «کوته‌نظرانی که به مصلحت امت اسلامی نمی‌اندیشیدند».
- ۱۲۳ ۱۴ - «دعوت‌کنندگان به سوی حق» و «دعوت‌کنندگان به سوی باطل».
- یک: «دعوت به نور» و «دعوت به ظلمت».
- دو: «دعوت به پادشاهی و ثروت» و «دعوت به سربلندی و سعادت».
- سه: «دعوت‌کننده یهودیان به اسلام» و «دعوت‌کننده یهودیان برای مبارزه با اسلام».
- ۱۲۶ ۱۵ - «تعصب بر حق» و «تعصب بر باطل».
- یک: «پافشاری بر باطل» و «پافشاری بر حق».

- دو: «تعصب از روی ناآگاهی» و «تعصب از روی بصیرت» ۱۲۸
- سه: «تعصب در مبارزه با رسول خدا ﷺ» و «تعصب در حمایت از رسول خدا ﷺ» ۱۲۹
- چهار: «پادشاهی که به خاطر تعصب بر باطل مسلمان نشد» و «پادشاهی که به خاطر تعصب بر حق مسلمان شد» ۱۳۰
- پنج: «تعصب پدری که به خاطر دخترش اسلام نمی آورد» و «تعصب دختری که با اصرار پدرش اسلام را رها نمی کرد» ۱۳۲
- شش: «تعصب پدری بر باطل» و «تعصب پسری بر حق» ۱۳۳
- هفت: «تعصب نابودگر پدر» و «تعصب بیدارگر پسر» ۱۳۳
- هشت: «پیشوایی که به خاطر ترس از سرزنش قومش بر باطل تعصب ورزید» و «پیشوایی که به خاطر تعصب بر حق از سرزنش قومش نهرا سید» ۱۳۴
- نه: «کوردمی که پیش از اعدامش بر باطل پافشاری می کرد» و «بصیرت یافته ای که پیش از اعدامش بر حق پافشاری می کرد» ۱۳۵
- ۱۶ - «خرافه پرستان» و «خرافه ستیزان» ۱۳۷
- یک: «پادشاه پنداشتن پیامبر ﷺ» و «پیامبر ﷺ و نهی از رفتارهای شاهانه با او» ۱۳۷
- دو: «خدا پنداشتن پیامبر ﷺ» و «پیامبر ﷺ و طرد پندارهای غلط درباره خود» ۱۳۸
- سه: «پیشنهاد پرستیدن پیامبر ﷺ» و «واکنش شدید پیامبر ﷺ» ۱۳۸
- چهار: «پیشنهاد سجده کردن بر پیامبر ﷺ» و «طرد اندیشه های باطل و دعوت به حق» ۱۳۹
- پنج: «قرار دادن پیامبر ﷺ در جایگاه خدایی» و «تبری پیامبر ﷺ از اندیشه های خرافی» ۱۳۹
- شش: «خود را قوم و خویش خدا پنداشتن» و «جهت دادن به پندارهای جاهلی» ۱۴۰
- هفت: «عیسی را خدا پنداشتن» و «عیسی را بنده خدا دانستن» ۱۴۰
- هشت: «کسانی که سرنوشت خود را به اوهام و خرافات گره زدند» و «کسانی که از کودکی از بند خرافات رهیده بودند» ۱۴۱

- نه: «استفاده از خرافات برای درمان بیماران» و «رفتار منطقی برای درمان بیماران» ۱۴۲
- ده: «خرافه‌پردازی در مناسک حج» و «خرافه‌زدایی از مناسک حج» ۱۴۲
- ۱۱ - «دلدادگان قرآن» و «اعراض کنندگان از قرآن» ۱۴۳
- یک: «آنان که جذب قرآن شدند» و «آنان که از قرآن تنفر داشتند» ۱۴۳
- دو: «آنان که قرائت قرآن مایه رنجش آن‌ها بود» و «آنان که قرائت قرآن مایه افتخار آن‌ها بود» ۱۴۵
- سه: «آنان که قرآن کفرشان را بیشتر کرد» و «آنان که قرآن تواضعشان را بیشتر کرد» ۱۴۶
- چهار: «آنان که شنیدن قرآن را بر نمی‌تابیدند» و «آنان که شنیدن قرآن را دوست داشتند» ۱۴۷
- پنج: «مسلمانانی که قرآن سودی برایشان نداشت» و «مسیحیانی که قرآن به شدت آنان را تحت تأثیر قرار داد» ۱۴۸

فصل دوم: رویارویی صحنه‌ها و چهره‌ها از منظر اخلاقی و تربیتی

- ۱ - «دلبستگان به دنیا» و «دوری کنندگان از دنیا» ۱۵۱
- یک: «دنیاطلبان» و «آخرت جوین» ۱۵۱
- دو: «طمع داشتن به غنائم» و «چشم‌پوشی از غنائم» ۱۵۲
- سه: «صحابه‌ای که به اموال دنیا چشم دوخته بودند» و «صحابه‌ای که به آخرت چشم دوخته بودند» ۱۵۲
- چهار: «فریفته شدن به دنیا» و «بی‌اعتنایی به دنیا» ۱۵۳
- پنج: «صحابه‌ای که بر از دست رفتن غنیمتی حسرت می‌خورد» و «صحابه‌ای که به غنیمتی گرانمای بی‌اعتنا بود» ۱۵۴
- شش: «شیون برای مال دنیا» و «بی‌میل بودن به کوهی از طلا» ۱۵۵
- هفت: «آنان که ثروت‌های اهل کتاب چشمانشان را خیره کرده بود» و «آنان که به ثروت‌های اهل کتاب بی‌اعتنا بودند» ۱۵۶
- هشت: «پیشوای یهود که در راه ثروت‌اندوزی جان باخت» و «پیشوای اسلام که بدون هیچ اندوخته‌ای رحلت کرد» ۱۵۷

۲ - «جوانمردان» و «ناجوانمردان» ۱۵۹

یک: «ناجوانمردی قریش در تحریم اقتصادی مسلمانان» و «رفتار جوانمردانه پیامبر ﷺ برای

اجازه ورود کاروان تجاری به مکه» ۱۵۹

دو: «داماد جوانمرد» و «داماد ناجوانمرد» ۱۶۰

سه: «ناجوانمردانی که از همراهی با مسلمانان در احد سرباز زدند» و «جوانمردی که فردای

زفافش شتابان خود را به لشکر اسلام رساند» ۱۶۱

چهار: «جوانمردی اصحاب رسول خدا ﷺ در برخورد با دشمن» و «ناجوانمردی دشمن در

برخورد با اصحاب رسول خدا ﷺ» ۱۶۳

پنج: «فاتح جوانمرد» و «فاتح ناجوانمرد» ۱۶۴

شش: «رفتار ناجوانمردانه منافقی در حق رسول خدا ﷺ» و «رفتار جوانمردانه رسول خدا ﷺ

در حق وی» ۱۶۵

هفت: «رفتار جوانمردانه مسلمانان در حق اسرای دشمن» و «رفتار ناجوانمردانه دشمن در حق

اسرای مسلمان» ۱۶۶

هشت: «رفتار ناجوانمردانه منافقان در طراحی نقشه ترور رسول خدا ﷺ» و «رفتار جوانمردانه

رسول خدا ﷺ در فاش نکردن اسامی طراحان توطئه» ۱۶۷

نه: «ناجوانمردی که اصول انسانی را زیر پا نهاد» و «جوانمردی که به اصول انسانی دعوت

می کرد» ۱۶۸

ده: «زاممداری ناجوانمرد» و «زاممداری جوانمرد» ۱۶۹

۳ - «ادب پیشگان» و «گستاخان» ۱۷۰

یک: «گستاخی سه برادر به رسول خدا ﷺ» و «ادب غلامی مسیحی در برابر

رسول خدا ﷺ» ۱۷۰

دو: «جسارت عرب بیابانی» و «ادب بی نظیر فرستاده الهی» ۱۷۲

- سه: «گستاخی پادشاه ایران به نامه رسول خدا ﷺ» و «اظهار ادب پادشاه حبشه به نامه رسول خدا ﷺ» ۱۷۲
- چهار: «گستاخی منافقی به ساحت پیامبر اسلام ﷺ» و «ادب الهی پیامبر ﷺ در مواجهه با گستاخی‌ها» ۱۷۳
- پنج: «ادب در خطاب» و «عتاب در خطاب» ۱۷۴
- شش: «ادب از سر بصیرت» و «بی‌ادبی از سر بی‌بصیرتی» ۱۷۵
- هفت: «جسارت‌های زنی بدسابقه» و «ادب بی‌مانند رسول مهربانی» ۱۷۷
- هشت: «فردی که با جسارت خود خشم پیامبر ﷺ را برانگیخت» و «فردی که هیچ‌گاه پیامبر ﷺ را رنجیده‌خاطر نساخت» ۱۷۹
- ۴- «حریم‌داری» و «بی‌حرمتی» ۱۸۰
- یک: «بی‌حرمتی همسایگان بدسیرت به رسول خدا ﷺ» و «حریم‌داری مردی پاک‌سیرت از رسول خدا ﷺ» ۱۸۰
- دو: «حریم‌داری انصار در ابتدای ورود پیامبر ﷺ» و «بی‌حرمتی فردی بدسیرت در ابتدای ورود پیامبر ﷺ» ۱۸۱
- سه: «احترام به خاندان رسول» و «بی‌حرمتی به خاندان رسول» ۱۸۲
- چهار: «آنان که نام رسول خدا ﷺ را بر نمی‌تابیدند» و «آنان که محو نام رسول خدا ﷺ را بر نمی‌تابیدند» ۱۸۳
- پنج: «مردانی که در جنگ حنین حریم‌ها را شکستند» و «زنانی که در جنگ حنین حریم اسلام را پاس داشتند» ۱۸۴
- شش: «کسانی که در جنگ تبوک حرمت پیامبر ﷺ را شکستند» و «کسانی که در جنگ تبوک حرمت پیامبر ﷺ را نگه داشتند» ۱۸۵
- هفت: «تکریم و بزرگداشت نامه پیامبر ﷺ» و «بی‌حرمتی و جسارت به نامه پیامبر ﷺ» ۱۸۶

هشت: «بی حرمتی به پیامبر ﷺ برای انتخاب جانشین خود» و «حریم داری خدا از پیامبر خود» ۱۸۷

۵ - «نیکوکاری» و «جفاکاری» ۱۸۸

یک: «جفا به نیکوکاران» و «نیکی به جفاکاران» ۱۸۸

دو: «نیکوکاری به تازه مسلمانان» و «جفاکاری به نیکوکاران» ۱۸۹

سه: «جوانی مغرور و جفاکار» و «پیامبری رثوف و نیکوکار» ۱۹۰

چهار: «جفاکاری یهودیان خیبر» و «نیکوکاری پیامبر ﷺ به یهودیان خیبر» ۱۹۱

۶ - «تواضع پیشگان» و «تکبر پیشگان» ۱۹۳

یک: «غرور فرعون امت» و «تواضع رسول رحمت» ۱۹۳

دو: «پادشاهی تکبر پیشه» و «پادشاهی تواضع پیشه» ۱۹۴

سه: «زمامداری که برای خود انواع کمالات قائل بود» و «زمامداری که از تفاخر

گریزان بود» ۱۹۶

چهار: «آنان که همنشینی با بی‌نویان را عار می‌دانستند» و «آنان که همنشینی با بی‌نویان مایه

افتخارشان بود» ۱۹۷

پنج: «آنان که بی‌نویان را تحمل نمی‌کردند» و «آنان که با بی‌نویان الفت و

دوستی داشتند» ۱۹۸

شش: «آنان که خود را از همه برتر می‌دانستند» و «آنان که امتیاز ویژه‌ای برای خود

قائل نبودند» ۱۹۹

هفت: «نمایان شدن روحیه فروتنی در فتح مکه» و «نمایان شدن روحیه تکبر در فتح

مکه» ۲۰۰

۷ - «لجاجت و تکبر» و «روحیه تسلیم و فرمانبرداری» ۲۰۱

یک: «معجزه‌ای که لجاجت خویشاوندی را افزایش داد» و «معجزه‌ای که ایمان خویشاوندی را

افزایش داد» ۲۰۱

دو: «یهودیانی که به دلیل لجاجت در گرداب گمراهی هلاک شدند» و «یهودیانی که به دلیل

پذیرش حق از گرداب گمراهی نجات پیدا کردند» ۲۰۲

سه: «یهودیان لجوجی که ذیلانۀ مُردن را بر جزیه دادن ترجیح دادند» و «یهودیانی که زندگی

سعادت‌مندانه را بر گمراهی ترجیح دادند» ۲۰۳

چهار: «یهودیان لجوج خیبر که غرور خود را رها نکردند» و «غلام سیاهی که چوپان یهودیان

خیبر بود و هدایت شد» ۲۰۴

پنج: «طایفه‌ای که در پذیرش اسلام لجاجت و سرسختی نشان می‌دادند» و «طایفه‌ای که اسلام را

با میل و رغبت پذیرفتند» ۲۰۵

۸- «کینه توزان» و «عفو کنندگان» ۲۰۶

یک: «دشمنی کینه توز» و «پیامبری عفو‌پیشه» ۲۰۶

دو: «کینه توزی ناجوانمرد» و «بخشنده‌ای جوانمرد» ۲۰۷

سه: «خویشاوندی جفا‌پیشه» و «خویشاوندی عفو‌پیشه» ۲۰۸

چهار: «ابراز کینه پس از پیروزی» و «ابراز نیکی پس از پیروزی» ۲۱۰

پنج: «کینه توزی حتی در حق کشته‌ها» و «دعا حتی در حق کینه‌توزها» ۲۱۱

شش: «کینه‌توزی‌هایی دیرینه» و «عفو عمومی» ۲۱۲

هفت: «هجو کننده» و «عفو کننده» ۲۱۴

هشت: «گستاخی کینه‌توز» و «شکینایی عفو‌پیشه» ۲۱۴

نه: «کور دلی کینه‌توز» و «عفو‌پیشه‌ای مهرورز» ۲۱۵

ده: «قومی سرسخت و جفاکار» و «پیامبر مهربان و عفو‌پیشه» ۲۱۶

یازده: «متافقی لجوج و کینه‌توز» و «پیامبری رحیم و دلسوز» ۲۱۶

دوازده: «کینه‌توزی زن یهودی» و «عفو‌پیشگی رسول مهربانی» ۲۱۸

سیزده: «دل‌هایی لبریز از بغض و کینه» و «دل‌هایی لبریز از محبت و دوستی» ۲۱۹

۹- «صادقان» و «فریب‌کاران» ۲۲۰

یک: «دشمنانی که به فریب متوسل می‌شدند» و «کسانی که دشمنان نیز به صداقتشان گواهی می‌دادند» ۲۲۰

دو: «صحابه‌ای که به پیامبر ﷺ دروغ می‌بستند» و «پیامبری که دروغ و دروغ‌گویان را بر نمی‌تابید» ۲۲۲

سه: «صحابه‌ای که به دروغ‌گویی شهره شدند» و «صحابه‌ای که به صداقت شهره شدند» ۲۲۳

۱۰ - «حق‌جویان» و «جاه‌طلبان» ۲۲۴

یک: «پادشاه جاه‌طلبی که تسلیم حق نشد» و «پادشاه حق‌طلبی که تسلیم حق شد» ۲۲۴

دو: «فرمانروایی جاه‌طلب» و «فرمانروایی حق‌طلب» ۲۲۶

سه: «جاه‌طلبی که از پیامبر ﷺ حکومت و فرمانروایی طلب کرد» و «نوجوان حق‌طلبی که از

پیامبر ﷺ مغفرت و سلامت روحی طلب کرد» ۲۲۷

۱۱ - «امانت‌داری» و «خیانت در امانت» ۲۲۷

یک: «فرمان پیامبر ﷺ به امانت‌داری حتی در اموال یهود» و «خیانت یهود در اموال مسلمین به

جرم دینشان» ۲۲۹

دو: «اهتمام پیامبر ﷺ به ادای امانات» و «بی‌مبالاتی برخی صحابه در امانات» ۲۳۰

سه: «یهودیان امانت‌دار» و «یهودیان خیانت پیشه در امانت» ۲۳۱

۱۲ - «ایثار» و «بخل» ۲۳۲

یک: «ایثارگرانی که الگوی نیکی‌ها بودند» و «بخل‌پیشگانی که بازدارنده نیکی‌ها بودند» ۲۳۲

دو: «ایثار اتقیا» و «بخل پیشگی اشقیا» ۲۳۴

سه: «بخل پیشگی یهود عنود» و «ایثار انصار» ۲۳۵

۱۳ - «انفاق» و «دلبستگی» ۲۳۶

- «انفاقی بی‌بدیل» و «دلبستگی افرادی ذلیل» ۲۳۶

۱۴ - «انفاق در راه خدا» و «انفاق در راه هوا» ۲۳۸

یک: «انفاق مال کم در راه خدا» و «انفاق مال زیاد در راه هوا» ۲۳۸

- ۲۳۹ دو: «انفاق کم اما رحمانی» و «انفاق زیاد اما شیطانی».
- ۲۴۱ ۱۵ - «رقابت در راه حق» و «رقابت در راه باطل».
- ۲۴۱ یک: «رقابت برای مبارزه با دشمنان اسلام» و «رقابت برای نزدیکی به دشمنان اسلام».
- ۲۴۲ دو: «رقابتی برای رسیدن به شهادت» و «رقابتی برای رسیدن به غنائم».
- ۲۴۴ ۱۶ - «انصاف‌گران» و «بی‌انصاف‌ها».
- ۲۴۴ یک: «اهل کتابی که رعایت انصاف را کردند» و «اهل کتابی که بی‌انصافی پیشه کردند».
- ۲۴۶ دو: «مشرکانی که بی‌انصافی پیشه کردند» و «مشرکانی که رعایت انصاف را کردند».
- سه: «دانشمند یهودی که راه انصاف را در پیش گرفت» و «دانشمند یهودی که راه بی‌انصافی را در پیش گرفت».
- ۲۴۷ چهار: «یهودیانی منصف» و «یهودیانی غیر منصف».
- ۲۴۸ پنج: «آنان که در قضاوتشان اهل انصاف نبودند» و «آنان که در قضاوتشان اهل انصاف بودند».
- ۲۴۹ شش: «دشمنان منصف» و «دوستان بی‌انصاف».
- ۲۵۱ هفت: «انصاف پیامبر ﷺ در حق مشرکین» و «بی‌انصافی مشرکین در حق پیامبر ﷺ».
- ۲۵۳ ۱۷ - «تکریم‌کنندگان» و «تحقیرکنندگان».
- ۲۵۴ یک: «تکریم برده‌ای آزاد شده» و «تحقیر برده‌ای آزاد شده».
- دو: «تلاش برای تکریم و احیای حقوق بردگان» و «تلاش برای تحقیر و استضعاف بردگان».
- ۲۵۵ سه: «تحقیرکنندگان اسوه‌ها» و «تکریم‌کنندگان اسوه‌ها».
- ۲۵۶ چهار: «تحقیرگر زنی نمونه» و «تکریم‌گر نمونه زنان».
- ۲۵۶ پنج: «همسری تحقیرگر» و «شوهری تکریم‌گر».
- ۲۵۷ شش: «زنانی عیب‌جو» و «همسری دل‌جو».
- ۲۵۸ هفت: «تفاخر و تحقیرگری» و «دل‌جویی و تکریم‌گری».
- ۲۵۸

- هشت: «تحقیرگر سلمان فارسی» و «تکریم‌گر سلمان فارسی» ۲۵۹
- نه: «تحقیرگر زنان» و «تکریم‌گر زنان» ۲۶۰
- ده: «تکریم‌گر مؤمنی غریب» و «تحقیرگران مؤمنی غریب» ۲۶۰
- یازده: «تحقیرگر مسیحیان روشن ضمیر» و «تکریم‌گر مسیحیان روشن ضمیر» ۲۶۱
- دوازده: «هدایت‌گری که اسم‌های تحقیرگر را بر نمی‌تابید» و «کور دلی که بر اسم تحقیرگر خود پافشاری می‌کرد» ۲۶۲
- ۱۸ - «عهد و پیمان‌های مقدس» و «عهد و پیمان‌های شوم» ۲۶۴
- یک: «پیمانی برای زشت‌کاری» و «پیمانی برای نیکوکاری» ۲۶۴
- دو: «پیمان برای حمایت از اسلام تا پای جان» و «پیمان برای مبارزه با اسلام تا پای جان» ۲۶۵
- سه: «پیمان برای مبارزه با دشمنان اسلام» و «پیمان برای مبارزه با مسلمانان» ۲۶۶
- چهار: «پیمان مرگ برای کشتن پیامبر ﷺ» و «پیمان مرگ برای حمایت از پیامبر ﷺ» ۲۶۷
- پنج: «پیمان شوم برای پایداری بر باطل» و «پیمان مقدس برای پایداری بر حق» ۲۶۸
- شش: «پیمان شوم برای مقابله با پیامبر ﷺ» و «پیمان مقدس برای همراهی با پیامبر ﷺ» ۲۶۹
- ۱۹ - «وفاداران به عهد» و «عهد شکنان» ۲۷۰
- یک: «آنان که در مقابله با دشمن بر عهد خود پایدار ماندند» و «آنان که در مقابله با دشمن عهد شکستند» ۲۷۰
- دو: «پیمان‌شکنی همراه با عذر تراشی» و «وفاداری به عهد همراه با پایداری» ۲۷۱
- سه: «ناجوانمردی که عهد و پیمان شکست» و «جوانمردی که بر عهد و پیمان خود ثابت قدم بود» ۲۷۳
- چهار: «یهودی پیمان‌شکن» و «یهودی وفادار به عهد» ۲۷۵
- پنج: «آنان که پیمان را به هر قیمت پاس داشتند» و «آنان که پیمان را به راحتی زیر پا گذاشتند» ۲۷۶

۲۰ - «وعددهای حق» و «وعددهای باطل» ۲۷۸

یک: «وعددهای شیطانی» و «وعددهای رحمانی» ۲۷۸

دو: «پیامبری راستین با وعددهای راست» و «پیامبری دروغین با وعددهای دروغ» ۲۷۹

سه: «وعددهای رهبری که دروغین بود» و «وعددهای رهبری که تحقق یافت» ۲۸۰

چهار: «وعددهایی همچو سراب» و «وعددهایی ناب» ۲۸۱

پنج: «وعددهای ریاکارانه به یهودیان» و «وعددهای صادقانه به یهودیان» ۲۸۳

۲۱ - «رازداران» و «افشاگران رازها» ۲۸۴

یک: «حفظ اسرار جنگی» و «افشای اسرار جنگی» ۲۸۴

دو: «تلاش برای رازداری و گمراه کردن دشمن» و «تلاش برای رازگشایی و

مطلع کردن دشمن» ۲۸۵

سه: «جلوگیری از پراکنده ساختن اخبار ناامیدکننده از یهود در میان مسلمانان» و «گزارش اسرار و

اخبار پیامبر و مسلمانان به یهود» ۲۸۶

چهار: «تلاش برای مخفی نگه داشتن موضوع فتح مکه» و «تلاش برای آشکار ساختن موضوع

فتح مکه» ۲۸۸

پنج: «زنانی راز نگه‌دار» و «زنانی افشاگر راز» ۲۸۹

شش: «مردانی رازدار» و «مردانی افشاگر راز» ۲۹۱

هفت: «مؤمنانی که اسرار منافقان را فاش نکردند» و «منافقانی که اسرار مؤمنان را

فاش کردند» ۲۹۲

۲۲ - «بی‌باکی» و «ترس» ۲۹۳

یک: «الشکری گرفتار در چنگال ترس» و «رهبری بی‌باک در مرکز سپاه دشمن» ۲۹۳

دو: «آنان که در برابر تهدیدها نهراسیدند» و «آنان که تهدید کردند و خود ترسیدند» ۲۹۴

سه: «شجاع و باراده در برابر دشمن» و «بی‌اراده و ترسو در برابر دشمن» ۲۹۵

چهار: «دلاوری بی‌باک» و «یهودیان بیمناک» ۲۹۵

- ۲۹۷ پنج: «فرماندهانی بی کفایت و ترسو» و «فرماندهی کاردان و شجاع».
- شش: «فرماندهانی که از عده و عده دشمن می‌هراسیدند» و «فرماندهای که از عده و عده دشمن نمی‌هراسید».
- ۲۹۸ هفت: «کسانی که ترس از دشمن توانشان را گرفته بود» و «کسانی که چالاک و بی‌باک بودند».
- ۳۰۰ ۲۳ - «صلابت پیشگان» و «مسامحه گران».
- ۳۰۱ یک: «آنان که در کارزار پیامبر ﷺ را تنها گذاشتند» و «آنان که در کنار پیامبر ﷺ دلیرانه جنگیدند».
- ۳۰۱ دو: «آنان که خواهان مسامحه در داوری‌ها بودند» و «آنان که در داوری‌ها به ملامت سرزنش‌گران بی‌اعتنا بودند».
- ۳۰۲ سه: «دلیران صلابت پیشه» و «مسامحه‌گران عاقبت پیشه».
- ۳۰۳ ۲۴ - «خوش‌بین‌ها» و «بدبین‌ها».
- ۳۰۵ یک: «خوش‌بینی و نوید به فتح و پیروزی» و «بدبینی و ترساندن از خواری و شکست».
- ۳۰۵ دو: «خوش‌بین‌ها به یاری الهی» و «بدبین‌ها به یاری الهی».
- ۳۰۶ سه: «کسانی که آیه یأس می‌خواندند» و «کسانی که آیه امید می‌خواندند».
- ۳۰۷ چهار: «خوش‌بین به تحقق وعده‌های الهی» و «بدبین به تحقق وعده‌های الهی».
- ۳۰۷ ۲۵ - «سخن حق بر زبان اهل باطل» و «سخن باطل بر زبان اهل حق».
- ۳۰۹ یک: «مشرکی که حق بر زبان راند» و «مسلمانی که باطل بر زبان راند».
- ۳۰۹ دو: «توصیف شایسته یاران پیامبر ﷺ در سخنان برخی مشرکان» و «توصیف ناشایست یاران پیامبر ﷺ در سخنان برخی مسلمانان».
- ۳۱۰ سه: «توصیف نیکو از پیامبر ﷺ در سخنان برخی مشرکان» و «توصیف زشت از پیامبر ﷺ در سخنان برخی مسلمانان».
- ۳۱۱ چهار: «سخن حق برخی یهودیان درباره پیامبر ﷺ» و «سخن باطل برخی مسلمانان درباره یهودیان».
- ۳۱۲

۲۶- «پند پذیران» و «پند گریزان» ۳۱۴

یک: «فرمانروایی پندپذیر» و «فرمانروایی پندگریز» ۳۱۴

دو: «رهبرانی پندناپذیر» و «رهروانی پندپذیر» ۳۱۶

۲۷- «تشویق شدگان» و «تنبیه شدگان» ۳۱۸

یک: «توبیخ برای تخلف» و «تشویق برای جان‌فشانی» ۳۱۸

دو: «سرزنش مسامحه‌گران» و «تشویق دلیر مردان» ۳۱۹

سه: «تشویق زنان جنگجو» و «سرزنش مردان ترسو» ۳۲۰

چهار: «توبیخ بی‌عنایتی به علی ع» و «عنایت و تشویق علی ع» ۳۲۱

پنج: «توبیخ آزارنده علی ع» و «تشویق محب علی ع» ۳۲۲

شش: «تشویق شتاب‌کنندگان به سوی تبوک» و «تنبیه تخلف‌کنندگان از تبوک» ۳۲۳

هفت: «تنبیه طعنه‌زنندگان» و «تشویق طعنه‌دیدگان» ۳۲۴

هشت: «تنبیه تخلف‌پیشگان» و «تشویق اطاعت‌پیشگان» ۳۲۵

۲۸- «مردان الهی» و «مردان شیطانی» ۳۲۸

- «مردی الهی» و «مردی شیطانی» ۳۲۸

۲۹- «زنان نیکوکردار» و «زنان بدکردار» ۳۲۹

یک: «زنی پارسا و خوش‌نام در جاهلیت» و «زنی بدکاره و بدنام در جاهلیت» ۳۲۹

دو: «زنی که خانه‌اش کانون طهارت بود» و «زنی که خانه‌اش کانون شیطان بود» ۳۳۰

سه: «زنی که اشعارش پیامبر ص را به شگفت آورد» و «زنی که اشعارش پیامبر ص را به

خشم آورد» ۳۳۱

چهار: «زنی کینه‌توز و درنده‌خو» و «زنی صبور و بصیر» ۳۳۲

پنج: «زنی مصیبت‌زده اما صبور» و «زنی مصیبت‌زده اما کینه‌توز» ۳۳۳

۳۰- «همسران شایسته» و «همسران ناشایست» ۳۳۴

یک: «همسری که یار زندگی بود» و «همسری که بار زندگی بود» ۳۳۴

- دو: «همسری بی حمیت» و «همسری با حمیت» ۳۳۵
- سه: «همسرانی که به جهت محبت علی علیه السلام تشویق شدند» و «همسرانی که به جهت مخالفت با علی علیه السلام سرزنش شدند» ۳۳۶
- چهار: «آنان که حقوق همسران خود را به نیکی نگاه داشتند» و «آنان که حقوق همسران خود را زیر پا گذاشتند» ۳۳۷
- ۳۱ - «فرزندان سعادتمند» و «پدران شقاوتمند» ۳۳۸
- یک: «پدری منافق و کور دل» و «پسری مؤمن و بصیر» ۳۳۸
- دو: «پسری صالح» و «پدری طالح» ۳۳۸
- سه: «پسری سعادتمند که عاقبت به خیر شد» و «پدری شقاوتمند که عاقبت به شر شد» ۳۳۹
- چهار: «پدری شقاوتمند در سپاه شرک» و «پسری سعادتمند در سپاه اسلام» ۳۴۱
- پنج: «پدری نفاق پیشه و شقاوتمند» و «پسری مؤمن و سعادتمند» ۳۴۲
- ۳۲ - «آشنایان غریب» و «غریبه‌های آشنا» ۳۴۳
- یک: «آشنایی که به جمع غریبه‌ها پیوست» و «غریبه‌ای که به جمع آشنایان پیوست» ۳۴۳
- دو: «آشنایی غریبه» و «غریبه‌ای آشنا» ۳۴۴
- سه: «آشنایانی که حرمت نگه نداشتند» و «غریبه‌هایی که حرمت را حفظ کردند» ۳۴۵
- ۳۳ - «دعاگویان حق» و «دعاگویان باطل» ۳۴۷
- «دعای پیشوای حق» و «دعای پیشوای باطل» ۳۴۷
- ۳۴ - «محبوب‌ها» و «مطروده‌ها» ۳۴۸
- یک: «کسی که خود و پیروانش محبوب رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند» و «کسی که خود و پیروانش ملعون رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند» ۳۴۸
- دو: «محبوب‌ها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله» و «ملعون‌ها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله» ۳۴۹
- سه: «شجره طیبه» و «شجره ملعونه» ۳۵۱
- چهار: «آنان که نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله بودند» و «آنان که مایه اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند» ۳۵۱

- ۳۵۲ پنج: «محبوب» و «ملعون»
- ۳۵۳ شش: «محبوب» و «مغضوب»
- ۳۵۶ هفت: «محبوب» و «مذموم»
- ۳۵۷ هشت: «چهره محبوب» و «چهره منفور»
- ۳۵۸ نه: «محبوب ملکوتیان» و «مغضوب ملکوتیان»
- ۳۵۹ ده: «جماعتی که پیامبر ﷺ آن‌ها را دعا کرد» و «جماعتی که پیامبر ﷺ آن‌ها را نفرین کرد»
- ۳۶۰ ۳۵ - «خوش عاقبت‌ها» و «بدعاقبت‌ها»
- ۳۶۰ یک: «کافری که بهشتی شد» و «مسلمانی که دوزخی شد»
- ۳۶۲ دو: «یهودی نیک فرجام» و «مسلمان بدفرجام»
- ۳۶۳ سه: «مسیحی مسلمان شده و نیک فرجام» و «مسلمان مسیحی شده و بدفرجام»
- ۳۶۵ چهار: «مشرکی نیک فرجام» و «مسلمانی بد فرجام»
- ۳۶۶ پنج: «شاعر نیک فرجام» و «شاعر بد فرجام»
- ۳۶۷ شش: «پیرمرد نیک فرجام» و «پیرمرد بد فرجام»
- ۳۶۸ هفت: «جوان نیک فرجام» و «پیرمرد بد فرجام»
- ۳۷۰ هشت: «پیرمردان نیک فرجام» و «جوانان بد فرجام»
- ۳۷۱ ۳۶ - «مرگ با عزت» و «مرگ با ذلت»
- ۳۷۱ یک: «نیک‌مردی که در نهایت عزت از دنیا رفت» و «مردی پلید که در نهایت ذلت از دنیا رفت»
- ۳۷۳ دو: «جنازه‌ای که در کمال عزت تشییع شد» و «جنازه‌ای که در کمال ذلت تشییع شد»
- ۳۷۴ سه: «کسانی که در بدر با عزت کشته شدند» و «کسانی که در بدر با ذلت کشته شدند»
- ۳۷۶ چهار: «آنان که به جرم توطئه‌گری ضد پیامبر ﷺ مرگی ذلت‌بار داشتند» و «آنان که در پرتو ارادت به پیامبر ﷺ مرگی عزت‌آفرین داشتند»
- ۳۷۸ پنج: «مرگ با عزت در بالین پیامبر ﷺ» و «مرگ با ذلت با نیزه پیامبر ﷺ»

شش: «کسی که محل دفنش بوی مُشک می داد» و «کسی که زمین جنازه اش را قبول نمی کرد» ۳۷۹

هفت: «پیکر مجاهدی شهید و تجلیل پیامبر ﷺ» و «پیکر زهیر کفر و تحقیر پیامبر ﷺ» ۳۸۰

هشت: «مردی نیک فرجام که پیامبر ﷺ او را همچون صاحب یاسین می دانست» و «مردی

بدفرجام که پیامبر ﷺ او را بدتر از فرعون می دانست» ۳۸۱

نه: «مرحومین» و «محرومین» ۳۸۲

فصل سوم: رویارویی صحنه ها و چهره ها از منظر اجتماعی و سیاسی

۱ - «عدالت پیشگان» و «ظلم پیشگان» ۳۸۷

- «کسانی که در پی انتقام جویی بودند» و «کسانی که در پی اجرای عدالت بودند» ۳۸۷

۲ - «رعایت حقوق مردم» و «سهل انگاری در حقوق مردم» ۳۸۹

یک: «آنان که حقوق دیگران را پاس داشتند» و «آنان که به حقوق دیگران بی اعتنا

بودند» ۳۸۹

دو: «کسانی که نسبت به بیت المال سخت گیر بودند» و «کسانی که نسبت به بیت المال

بی تفاوت بودند» ۳۹۱

۳ - «حق گرایی» و «قومیت گرایی» ۳۹۲

یک: «کسانی که برای خود حق ویژه قائل بودند» و «کسانی که تنها به حق پای بند بودند» ۳۹۲

دو: «مسلمانانی که اسیر قومیت گرایی بودند» و «مسلمانانی که اهل قومیت گرایی نبودند» ۳۹۳

سه: «یهوددانی قومیت گرا» و «مسلمانانی حق گرا» ۳۹۴

چهار: «جوانی با گرایش های قومی» و «پیامبری با گرایش های الهی» ۳۹۵

۴ - «استقلال داشتن» و «تکیه بر بیگانه» ۳۹۶

یک: «باری نگرستن از یهود» و «افتادن در دامن یهود» ۳۹۶

دو: «کسانی که دوستی با یهود را رها کردند» و «کسانی که بر دوستی با یهود اصرار

کردند» ۳۹۷

سه: «آنان که در بحرانی‌ترین شرایط از مشرکان کمک نگرفتند» و «آنان که در شرایط بحرانی از

مشرکان کمک خواستند» ۳۹۸

چهار: «آنان که دوستی با بیگانگان را زیرپا نهادند» و «آنان که با بیگانگان دوستی

داشتند» ۳۹۹

پنج: «آنان که به کمک بیگانگان چشم نداشتند» و «آنان که به کمک بیگانگان

چشم دوخته بودند» ۴۰۰

۵- «تلاش برای امیدوار کردن مسلمانان» و «تلاش برای ناامید کردن مسلمانان» ۴۰۲

یک: «آنان که با سخنان خود یأس آفریدند» و «آنان که با سخنان خود شور آفریدند» ۴۰۲

دو: «تلاش برای تضعیف روحیه مسلمانان» و «تلاش برای تقویت روحیه مسلمانان» ۴۰۳

سه: «توطئه‌گری که در میان مسلمانان ترس آفرید» و «پیشوایی که در میان مسلمانان

امید آفرید» ۴۰۴

چهار: «منافقانی که با توطئه‌های خود مسلمانان را دلسرد می‌کردند» و «رهبر آگاهی که با

تدبیرهای خود مسلمانان را دلگرم می‌کرد» ۴۰۶

پنج: «سخنان امیدوارکننده در بحبویه جنگ» و «سخنان مأیوس‌کننده در بحبویه جنگ» ۴۰۷

شش: «کسانی که به دنبال تقویت بنیان جامعه اسلامی بود» و «کسانی که به دنبال سست کردن

بنیان جامعه اسلامی بودند» ۴۰۸

هفت: «تلاش برای ناامید کردن دیگران» و «تلاش برای امیدوار کردن دیگران» ۴۰۹

۶- «تلاش در جهت وحدت» و «تلاش در جهت تفرقه» ۴۱۰

یک: «رهبری که از همه روش‌ها برای وحدت مسلمانان بهره جست» و «منافقانی که از همه

روش‌ها برای تفرقه‌افکنی بهره جستند» ۴۱۰

دو: «پیشوایی منادی وحدت» و «صحابه‌ای منادی تفرقه» ۴۱۱

۷- «تلاش برای آگاهی بخشیدن مردم» و «تلاش برای عدم آگاهی مردم»..... ۴۱۳

یک: «پیشوایی که تلاش می‌کرد تا قومش را بیدار کند» و «پیشوایی که تلاش می‌کرد تا قومش

را در خواب نگاه دارد»..... ۴۱۳

دو: «زاممداری که هدفش آگاه کردن مردم بود» و «زاممداری که هدفش اغفال مردم بود»..... ۴۱۴

سه: «پیامبری که تلاش می‌کرد مردمش را از حقایق مهمی مطلع کند» و «گروه‌هایی که تلاش

می‌کردند مانع از ابلاغ پیام پیامبر ﷺ شوند»..... ۴۱۵

۸- «سیاست‌بازان» و «حق‌مداران»..... ۴۱۷

یک: «زاممداری سیاست‌باز» و «زاممداری حق‌مدار»..... ۴۱۷

دو: «رهبری بادرایت» و «مردانی جاه‌طلب»..... ۴۱۹

سه: «رهبری که اصلاح‌طلب واقعی بود» و «رهرویی که مدعی اصلاح‌طلبی بود»..... ۴۲۱

۹- «دوستی با اولیاء خدا» و «دشمنی با اولیاء خدا»..... ۴۲۴

یک: «کسی که محبت پیامبر ﷺ همه وجودش را پر کرده بود» و «کسی که دشمنی با پیامبر ﷺ

همه وجودش را پر کرده بود»..... ۴۲۴

دو: «کسی که سینه‌اش مالا مال از عشق به پیامبر ﷺ بود» و «کسی که سینه‌اش مالا مال از کینه به

پیامبر ﷺ بود»..... ۴۲۵

سه: «یهودی‌ای که با محبت به پیامبر ﷺ از دنیا رفت» و «یهودی‌ای که با کینه به پیامبر ﷺ

از دنیا رفت»..... ۴۲۶

چهار: «محبت به اولیاء خدا» و «دشمنی با اولیاء خدا»..... ۴۲۷

پنج: «دعایی بی‌نظیر در حق جانشین پیامبر ﷺ» و «کینه و دشمنی بی‌سابقه در حق جانشین

پیامبر ﷺ»..... ۴۲۸

شش: «آن‌کس که جان پیامبر ﷺ بود» و «آن‌کس که دشمن تشنه خوش بود»..... ۴۲۹

۱۰- «پناه جویان به خدا» و «پناه جویان به دشمن»..... ۴۳۱

یک: «کسانی که در سختی کارزار منتظر کمک دشمن بودند» و «کسانی که در سختی کارزار منتظر

یاری خدا بودند» ۴۳۱

دو: «کسی که به خدا امیدوار بود» و «کسی که به دشمن امیدوار بود» ۴۳۱

۱۱ - «صلابت در برابر دشمن» و «اظهار همدردی با دشمن» ۴۳۳

یک: «آنان که با یهود عنود همدردی می‌کردند» و «آنان که در برابر یهود عنود صلابت پیشه بودند» ۴۳۳

دو: «کسی که به خاطر هم‌پیمانی با یهود با آن‌ها همدردی می‌کرد» و «کسی که هم‌پیمانی با یهود

را زیر پا نهاد و مقابلشان ایستاد» ۴۳۵

سه: «آنان که در جنگ با یهود پیمان خون بستند» و «آنان که به خاطر هم‌پیمانی با یهود عهد

ایمانی خود را شکستند» ۴۳۷

چهار: «آنان که به خاطر قومیت‌گرایی دشمن را وانهادند» و «آنان که به خاطر حق‌گرایی

به دشمن مجال ندادند» ۴۳۸

پنج: «زنی که با دشمن همدردی می‌کرد» و «زنی که در برابر دشمن مقاومت می‌کرد» ۴۳۹

۱۲ - «تبلیغات مسموم» و «تنویر افکار» ۴۴۰

یک: «آنان که از اسلام و پیامبر سیمایی زشت ترسیم کردند» و «آنان که از اسلام و پیامبر

سیمایی زیبا ترسیم کردند» ۴۴۰

دو: «آنان که با اشعار خود تبلیغات سوء می‌کردند» و «آنان که با اشعار خود تبلیغات

دشمن را بی‌اثر می‌کردند» ۴۴۲

سه: «تلاش برای کم‌اهمیت نشان دادن سخنان پیامبر ﷺ» و «تلاش برای مهم نشان دادن سخنان

پیامبر ﷺ» ۴۴۳

چهار: «واقعهای که بهانه‌ای برای تبلیغات سوء یهود شد» و «واقعهای که بهانه‌ای برای

روشنگری افکار مسلمانان شد» ۴۴۴

پنج: «منافقان و تبلیغات سوء بر علیه علی علیه السلام» و «پیامبر ﷺ و از بین بردن تبلیغات

منافقان» ۴۴۵

شش: «منافقان و تبلیغات سوء بر علیه پیامبر ﷺ» و «پیامبر ﷺ و برملا کردن تبلیغات

منافقان» ۴۴۶

هفت: «تبلیغ منفی بر علیه پیامبر ﷺ و نماینده او» و «تبلیغ مثبت پیامبر ﷺ برای تنویر

افکار» ۴۴۷

۱۳ - «تدبیرگری» و «بی تدبیری» ۴۴۸

یک: «مسلمانانی که به خاطر بی تدبیری به منازعه روی آوردند» و «رهبری که با تدبیر خود به

منازعه‌ها خاتمه داد» ۴۴۸

دو: «مردی که در برخورد با رئیس منافقان بی تدبیر بود» و «رهبری که در برخورد با رئیس منافقان

تدبیرگر بود» ۴۴۹

سه: «مردی که با بی تدبیری خود می خواست فردی را به جهنم بفرستد» و «رهبری که با تدبیر

خود فردی را به بهشت فرستاد» ۴۵۰

چهار: «آنان که در رفتار با اسیران بدر بی تدبیر بودند» و «رهبری که در رفتار با اسیران بدر

تدبیرگر بود» ۴۵۱

پنج: «رهبری که با حسن تدبیرش صلح با برکتی را رقم زد» و «صحابی که با سوء تدبیرش نزدیک

بود دستاوردهای صلح را بی اثر سازد» ۴۵۳

شش: «تدبیرگری فرماندهی لایق» و «بی تدبیری و سربلندی صحابه‌ای سست عنصر» ۴۵۵

هفت: «فرماندهی مدبر» و «سپاهیانی ناشکیبا» ۴۵۷

هشت: «فرماندهانی بی تدبیر و بی کفایت» و «فرماندهای با تدبیر و لایق» ۴۵۸

۱۴ - «هوشیارها» و «ساده لوح‌ها» ۴۶۰

یک: «رهبری که نگاهش به صلح حدیبیه هوشیارانه و دورنگر بود» و «صحابه‌ای که نگاهش به

صلح حدیبیه سطحی نگر و ساده لوحانه بود» ۴۶۰

دو: «گزارشی به دشمن از روی هوشمندی» و «گزارشی به دشمن از روی ساده لوحی» ۴۶۲

۱۵ - «رسیدن به هدف از راه مشروع» و «رسیدن به هدف از هر راه» ۴۶۵

یک: «کسی که پیامبر را برای رسیدن به اهداف خود می‌خواست» و «پیامبری که همه چیز را برای

رضای خدا می‌خواست» ۴۶۵

دو: «پیشوایی که به دنبال باج خواهی بود» و «پیشوایی که اهل باج دهی نبود» ۴۶۶

سه: «آنان که اسلامی توأم با منکرات می‌خواستند» و «آنان که اسلامی ناب و خالص

می‌خواستند» ۴۶۷

چهار: «رهبری که از هر طریقی می‌خواست به هدف خود برسد» و «رهبری که حاضر نبود از هر

طریقی به هدف خود برسد» ۴۶۸

۱۶ - «مجاهده در راه تحقق فرمان پیامبر ﷺ» و «سرپیچی از فرمان پیامبر ﷺ» ۴۶۹

یک: «کسی که برای فرمان پیامبر ﷺ جان فشانی کرد» و «کسی که از ترس جانش از فرمان

پیامبر ﷺ سرپیچی کرد» ۴۶۹

دو: «آنان که در پی کسب غنائم از دستور پیامبر ﷺ سرپیچی کردند» و «آنان که در پی امثال

فرمان پیامبر ﷺ جان فشانی کردند» ۴۷۱

سه: «آنان که در حبه به پیامبر ﷺ بی توجهی کردند» و «آنان که جانشان را فدای پیامبر ﷺ

کردند» ۴۷۲

چهار: «آنان که از ترس مرگ با پیامبر ﷺ همراهی نکردند» و «آنان که با پیامبر ﷺ پیمان مرگ

بستند» ۴۷۳

پنج: «آنان که با نافرمانی خود خشم پیامبر ﷺ را برانگیختند» و «آنان که با فرمانبری خود

مشمول دعای پیامبر ﷺ گردیدند» ۴۷۴

شش: «آنان که همواره اهل تخلف و سرپیچی بودند» و «آنان که همواره اهل اطاعت و

فرمانبرداری بودند» ۴۷۶

۱۷ - «تلاش کنندگان با انگیزه» و «بهانه جویان بی انگیزه» ۴۷۷

یک: «آنان که در شرایط سخت عزم و انگیزه خود را به نمایش گذاشتند» و «آنان که در شرایط

سخت بهانه جویی و بی انگیزه بودن خود را به نمایش گذاشتند» ۴۷۷

دو: «تلاش گران بی ادعا» و «بی انگیزگان پرمدها» ۴۷۸

سه: «منافقان بی انگیزه که از جبهه فراری بودند» و «مؤمنانی مجاهد که با تن زخمی به جبهه

شتافتند» ۴۸۰

چهار: «آنان که برای فرار از جبهه به انواع بهانه‌ها رو آوردند» و «آنان که برای رفتن به جبهه

هیچ بهانه‌ای نیاوردند» ۴۸۱

۱۸ - «مهاجرین» و «قاعدین» ۴۸۲

یک: «آنان که در راه هجرت دلبستگی‌های خود را رها کردند» و «آنان که به خاطر

دلبستگی‌های خود هجرت نکردند» ۴۸۲

دو: «آنان که به شرافت دو هجرت نائل شدند» و «آنان که برای فخرفروشی به دنبال

کسب مقام هجرت بودند» ۴۸۴

۱۹ - «استقامت‌پیشگان» و «سست عنصرها» ۴۸۶

یک: «کسانی که زیر شکنجه‌ها تسلیم نشدند» و «کسانی که زیر فشارها تسلیم شدند» ۴۸۶

دو: «افراد سست‌عنصری که با حرف‌هایشان همه را دلسرد کردند» و «افراد استواری که با

حرف‌هایشان همه را دلگرم کردند» ۴۸۷

سه: «افراد سست‌عنصری که از جبهه فرار کردند» و «افراد استواری که با ایستادگی خود فرشتگان

را هم شگفت‌زده کردند» ۴۸۹

چهار: «سست‌عنصرهایی که در بحبوحه جنگ به همه آرمان‌ها پشت کردند» و «استقامت

پیشگانی که در راه آرمان‌ها تا پای جان ایستادند» ۴۹۱

پنج: «سست‌عنصرهایی که در میدان جنگ پرده از نفاقشان برداشتند» و «زاد‌مردانی که در میدان

جنگ پرده از ایمانشان برداشتند» ۴۹۲

شش: «سست‌عنصریان که می‌کوشیدند دیگران را هم بترسانند» و «زاد‌مردانی که فقط بر خدا

توکل داشتند» ۴۹۳

هفت: «زنائی استقامت‌پیشه» و «مردانی سست‌عنصر» ۴۹۴

۳۰ - «مجاهدان» و «عافیت طلبان» ۴۹۵

یک: «عافیت طلبانی که فرار را بر قرار ترجیح دادند» و «رادمردانی که دلیرانه جنگیدند» ۴۹۵
 دو: «عافیت طلبانی که سرافکنده از جنگ بازگشتند» و «مجاهدانی که سربلند از جنگ بازگشتند» ۴۹۶

سه: «عافیت طلبی که انبوه سپاه دشمن او را متزلزل کرد» و «جهادگری که انبوه سپاه دشمن او را بارآده‌تر کرد» ۴۹۷

چهار: «ست عنصران بزم‌جو» و «دلیرمردان رزم‌جو» ۴۹۹

۳۱ - «مشتاقان جهاد» و «بی‌رغبت‌ها به جهاد» ۵۰۰

یک: «آنان که برای قرار از جبهه دنبال بهانه بودند» و «آنان که برای رفتن به جبهه دنبال بهانه بودند» ۵۰۰

دو: «آنان که از ترس مقابله با دشمن بی‌تابی می‌کردند» و «آنان که برای حضور یافتن در جبهه بی‌تابی می‌کردند» ۵۰۱

سه: «آنان که بدون عذر از جهاد گریزان بودند» و «آنان که با وجود عذر در شوق جهاد می‌گریستند» ۵۰۲

چهار: «آنان که با هر بهانه‌ای از رفتن به جبهه سرپیچی کردند» و «آنان که با هر رنجی خود را به جبهه رساندند» ۵۰۳

۳۲ - «جان‌ناران» و «فراریان» ۵۰۵

یک: «فراری‌هایی که پیامبر ﷺ را با دشمن تنها گذاشتند» و «دلیرمردانی که با جانبازی خود جان پیامبر ﷺ را حفظ کردند» ۵۰۵

دو: «فراریانی که فقط به فکر جان خویش بودند» و «رادمردانی که جان خود را فدای پیامبر ﷺ کردند» ۵۰۶

سه: «آنان که با جان‌فشانی خود افتخار به ارمغان آوردند» و «آنان که با فرار خود سرافکندگی به جا گذاشتند» ۵۰۷

۵۰۹	۲۳ - «عافیت‌طلبی» و «شهادت‌طلبی»
۵۰۹	یک: «آنان که با وعده بهشت هم حاضر به رویارویی با دشمن نبودند» و «آنان که در شوق شهادت بی‌تابی می‌کردند»
۵۱۰	دو: «عافیت‌طلبانی که فقط برای کسب غنیمت به جبهه رفتند» و «رادمردانی که فقط به عشق شهادت به جبهه رفتند»
۵۱۱	سه: «توانگران عافیت‌طلب» و «مجاهدان شهادت‌طلب»
۵۱۲	۲۴ - «جنگ در راه خدا» و «جنگ در راه هوا»
۵۱۲	یک: «پیشوایی که برای هوای جنگید» و «پیشوایی که برای خدا می‌جنگید»
۵۱۳	دو: «کشته‌شدگان در راه شرافت فامیل و قبیله» و «کشته‌شدگان در راه شرافت دین»
۵۱۴	سه: «آن کس که برای انتقام‌گیری می‌جنگید» و «آن کس که برای خشنودی خدا می‌جنگید»
۵۱۶	چهار: «آنان که از روی تعصب و غرور می‌جنگیدند» و «آنان که از روی خیرخواهی و حق‌طلبی می‌جنگیدند»
۵۱۷	پنج: «آنان که به جهاد به چشم کسب غنائم می‌نگریستند» و «آنان که به جهاد به چشم حرکتی مقدس و آزادی‌بخش می‌نگریستند»
۵۱۹	شش: «کسی که از جنگ با دشمن، هدفی جز شهوت نداشت» و «کسی که از جنگ با دشمن هدفی جز خدمت نداشت»
۵۲۰	۲۵ - «جان‌فشانی در راه حق» و «جان‌فشانی در راه باطل»
۵۲۰	یک: «آنان که پروانه‌وار به گرد رهبر حق جان‌فشانی می‌کردند» و «آنان که پروانه‌وار به گرد رهبر باطل جان‌فشانی می‌کردند»
۵۲۱	دو: «جان‌فشانی بی‌نظیر مردی در راه حق» و «جان‌فشانی بی‌نظیر مردی در راه باطل»
۵۲۳	سه: «جان‌فشانی بی‌نظیر زنی در راه حق» و «جان‌فشانی بی‌نظیر زنی در راه باطل»
۵۲۴	چهار: «پرچم‌داری که در راه حق جان خود را فدا کرد» و «پرچم‌داری که در راه باطل جان خود را فدا کرد»

پنج: «آنان که پرچم اسلام را با جان‌فشانی خود سرفراز نگاه داشتند» و «آنان که پرچم کفر را

با تعصب خود سر پا نگاه داشتند» ۵۲۵

شش: «آنان که برای رسیدن به باطل حاضر به هر جان‌فشانی بودند» و «آنان که برای رسیدن به

حق حاضر به هر جان‌فشانی بودند» ۵۲۷

هفت: «جان‌فشانی باطل‌گرایان در حنین» و «جان‌فشانی حق‌گرایان در حنین» ۵۲۸

۲۶ - «زنان رزم‌جو» و «مردان بزم‌جو» ۵۲۹

یک: «مردی سست عنصر و بزم‌جو» و «زنی دلیر و رزم‌جو» ۵۲۹

دو: «مردی ترسو و بیمناک» و «زنی شجاع و بی‌باک» ۵۳۰

سه: «مردانی که از مقابله با دشمن هراسیدند» و «زنانی که شجاعانه با دشمن جنگیدند» ۵۳۱

چهار: «زنی شجاع» و «مردی ترسو» ۵۳۳

۲۷ - «تحریک سپاهیان برای دفاع از حق» و «تحریک سپاهیان برای دفاع کردن از

باطل» ۵۳۴

یک: «زامانداری که با فتنه‌انگیزی آتش جنگ را برانگیخت» و «زامانداری که با سخنان مهیج شور

شهادت را برانگیخت» ۵۳۴

دو: «پیشوایی که سپاهیان را برای دفاع از باطل برانگیخت» و «پیشوایی که سپاهیان را

برای دفاع از حق برانگیخت» ۵۳۵

سه: «کسانی که با اشعار شهوانی لشکریان را تحریک می‌کردند» و «کسانی که با اشعار معنوی

لشکریان را تشویق می‌کردند» ۵۳۷

چهار: «فرماندهی که با تدبیرش سپاه باطل را بسیج کرد» و «فرماندهی که با تدبیرش سپاه حق را

بسیج کرد» ۵۳۸

۲۸ - «شعارهای حق» و «شعارهای باطل» ۵۳۹

یک: «فرماندهی که با شعار باطل در صدد تضعیف روحیه‌ها بود» و «فرماندهی که با شعار حق

در صدد تقویت روحیه‌ها بود» ۵۳۹

- ۵۴۰ دو: «توسل به شعار باطل در جنگ» و «توسل به شعار حق در جنگ»
- ۵۴۱ سه: «شعاری که موجی از نگرانی آفرید» و «شعاری که موجی از امید آفرید»
- ۵۴۲ ۲۹- «نمایش قدرت در راه حق» و «نمایش قدرت در راه باطل»
- یک: «آنان که قدرت لشکر باطل را به رخ کشیدند» و «آنان که قدرت لشکر حق را به رخ کشیدند»
- ۵۴۲ دو: «رزم جویی که در راه باطل قدرتش را به نمایش گذاشت» و «رزم جویی که در راه حق قدرتش را به نمایش گذاشت»
- ۵۴۴ سه: «پهلوانی که در جبهه باطل قدرت نمایی کرد» و «پهلوانی که در جبهه حق قدرت نمایی کرد»
- ۵۴۵ چهار: «قدرت نمایی دلیر مرد یهودی در جبهه باطل» و «قدرت نمایی دلیر مرد مسلمان در جبهه حق»
- ۵۴۷ ۳۰- «مغرور شدن به انبوه جمعیت» و «توکل به خدا با وجود کمی جمعیت»
- ۵۴۹ یک: «مشرکانی که با جمعیت انبوه شکست خوردند» و «مؤمنانی که با کمی جمعیت پیروز شدند»
- ۵۴۹ دو: «آنان که از انبوه جمعیت مغرور شدند» و «آنان که از کمی جمعیت نترسیدند»
- ۵۵۰ سه: «آنان که در برابر دشمن به عده و عده خود می بالیدند» و «آنان که در برابر دشمن تکیه گاهی جز خدا نمی جستند»
- ۵۵۱ چهار: «جمعیت زیادی که به خاطر غرورشان شکست خوردند» و «جمعیت کمی که به خاطر مقاومت شان پیروز شدند»
- ۵۵۲ کتاب نامه
- ۵۵۵

مقدمه

تاریخ اسلام مشحون از عبرت‌های سازنده و درس‌های آموزنده است که هر کس در آن سیر کند و با حوادث تلخ و شیرین آن همراه شود و در فراز و نشیب‌های آن به دقت تأمل و تفکر نماید بدون شک از چنین سفری با کوله‌باری پر از معرفت و بصیرت باز خواهد گشت.

در لابه‌لای صفحات تاریخ اسلام به روشنی می‌توان شاهد صحنه‌های گوناگونی بود که هر یک از آن‌ها درس‌های زنده و گویایی را در اختیار نسل حاضر قرار می‌دهند و همچون آیینه‌ای تمام‌نما از تجربیات امت اسلامی و فراز و نشیب‌هایی که مسلمانان با آن مواجه بوده‌اند پرده برمی‌دارند.

در تاریخ اسلام می‌توان شاهد صحنه‌های مختلفی از هدایت و ضلالت، عزت و ذلت، نیک‌بختی و ننگ‌بختی، جنگ و صلح، پیروزی و شکست، جهاد و راحت‌طلبی، دوستی و دشمنی، وحدت و تفرقه، رویش و ریزش، اصلاح و فساد، اطاعت و تخلف، مهر و قهر، رزم و بزم، وفا و جفا، امید و یأس، انفاق و بخل، عدالت و ظلم، خیر و شر و بالاخره حق و باطل بود که این صحنه‌ها در کنار هم نمایشگاهی از انواع تابلوهای دیدنی را در معرض دید آدمی قرار می‌دهند که برای هر مخاطبی الهام‌بخش و تفکربرانگیزند.

همچنین در جای‌جای تاریخ اسلام شاهد رویارویی چهره‌های گوناگونی با یکدیگر هستیم که در یک سو انسان‌هایی پاک‌سرشت و خوش‌عاقبت به چشم می‌خورند و در سوی دیگر

انسان‌هایی بدسرشت و بدعاقبت که هر یک از آنها نماینده دو طیف از انسان‌ها و ترسیم‌گر دو دیدگاه فکری و اعتقادی در برابر یکدیگرند.

آری در صفحات تاریخ اسلام می‌توان شاهد مواجهه صالحان و طالحان، مؤمنان و منافقان، دنیاطلبان و آخرت‌جویان، خرافه‌پردازان و خرافه‌ستیزان، نیکوکاران و جفاکاران، ادب‌پیشگان و گستاخان، تکریم‌گران و تحقیرگران، جوانمردان و ناجوانمردان، پندپذیران و پندگریزان، هوشیاران و ساده‌لوحان، مجاهدان و عافیت‌طلبان، سیاست‌بازان و حق‌مداران، تلاش‌کنندگان و بهانه‌جویان، استقامت‌پیشگان و سست‌عنصران و در یک کلام راه‌یافتگان و گمراهان با یکدیگر بود.

یکی از جمله مواردی که تاکنون در تحقیقات تاریخ مغفول مانده، بررسی حوادث و شخصیت‌هایی است که در تقابل با یکدیگرند، درحالی‌که نگرستن به تاریخ اسلام از این زاویه می‌تواند آثار و فواید فراوانی به ارمغان آورد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها این است که ذهن را از یکسویه‌نگری به حقایق تاریخ اسلام بازمی‌دارد و زمینه را برای بررسی همه جانبه و فراگیر موضوعات فراهم می‌آورد.

بدیهی است ارائه یک صحنه در مجالی خاص نخواهد توانست همان تأثیری را از خود بر جای گذارد که در رویارویی آن صحنه با طرف مقابلش پدید می‌آید، ضمن این‌که این فرصت را به مخاطب نیز می‌دهد تا با شناخت هر دو جنبه به مقایسه آن دو با یکدیگر بپردازد و به انتخاب آگاهانه یکی از آن دو مبادرت ورزد.

بر همین اساس تلاش نموده‌ایم تا در این اثر و آثار بعدی که این رویکرد را دنبال می‌کند از دریچه‌ای جدید و از منظری نو به حقایق تاریخ اسلام بنگریم، که دستاورد آن می‌تواند برای همگان قابل استفاده و برای نسل نو جذاب باشد و میزان بهره‌مندی از درس‌ها و عبرت‌های تاریخ اسلام را افزایش دهد.

در جلد نخست این مجموعه که به رویارویی صحنه‌ها و چهره‌ها در دوران زندگانی رسول گرامی اسلام ﷺ اختصاص یافته، تلاش بر آن بوده تا با مطالعه‌ی دقیق تاریخ بیست و سه ساله رسالت پیامبر اکرم ﷺ نمونه‌هایی از رویارویی صحنه‌ها و یا چهره‌ها که در آن دوران سرنوشت‌ساز تحقق یافته گردآوری شود و مهم‌ترین و اثرگذارترین آن نمونه‌ها در پیش‌روی مخاطب قرار داده شود چرا که ارائه‌ی همه نمونه‌ها در فراخور چنین اثری نیست.

از سوی دیگر، نمونه‌های فراوانی از حوادث این دوران وجود داشت که در اثناء تحقیق برای هر یک از آن‌ها عنوانی مناسب برگزیدیم، لیکن از آن‌جا که نمونه‌ای که بتوان آن را کاملاً با مثال موردنظر در تقابل قرار داد، یافت نمی‌شد از ارائه‌ی آن‌ها صرف‌نظر نمودیم.

شایان ذکر است که گرچه در هر یک از مقاطع تاریخ صدر اسلام می‌توان شاهد نوعی از مقابله‌ی صحنه‌ها و چهره‌ها با یکدیگر بود، اما برخی از این مقاطع از قبیل جنگ احد و مانند آن از جنبه‌ی یاد شده بسیار حائز اهمیت و مالا مال از نمونه‌های جذاب و بدیع هستند که می‌توانند زمینه‌های مناسبی برای آثار مستقلی در این خصوص قرار گیرند.

بدیهی است در چنین شیوه‌ای که برای نخستین بار و با رویکردی جدید حوادث دوران رسالت و پس از آن را در ابعاد وسیعش مورد توجه قرار داده است وجود برخی کاستی‌ها و نواقص از جنبه‌ی انتخاب عنوان‌ها یا نحوه‌ی مقابله‌ی صحنه‌ها با یکدیگر و یا تکرار برخی موضوعات امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد که امید می‌رود دیگر محققان و صاحب‌نظران با تکمیل و اصلاح این اثر در جهت غنا بخشیدن هرچه بیشتر و بهتر این موضوع بکوشند.

﴿وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾

حمید محمد قاسمی

رمضان المبارک ۱۳۹۱